



## فصل اول

مفاهیم و مبانی اعاده دادرسی

avabook.com

در این فصل به بیان مفاهیم و کلیات تحقیق پرداخته شده است. بدین منظور قبل از ورود به بحث و موضوع اصلی پژوهش حاضر، ابتدا اصول حاکم بر داوری در دادرسی را مورد بررسی قرار می‌دهیم. در ادامه ضمن بررسی اجمالی مفهوم ابطال و بطلان رای داوری، به تشریح تعاریف، تاریخچه و مبانی اعاده دادرسی در آرای داوری می‌پردازیم و جهت روشن‌تر شدن مفهوم و تمایز آن با سایر مفاهیم، اعاده دادرسی را با سایر طرق شکایت از آرا مقایسه می‌نماییم.

## ۲-۱) مفهوم اعاده دادرسی

هدف اصلی از دادرسی حفظ حق و اجرای عدالت است. دادرسی نیز مانند سایر اعمال بشری در معرض خطا و اشتباه قرار دارد.<sup>۱</sup> ممکن است در نتیجه‌ی اشتباه، رأیی ناعادلانه صادر شود و یا ممکن است در مسیر دادرسی تشریفات و آیین رسیدگی و خصوصاً اصول دادرسی رعایت نشده باشد، به همین جهت است که در کلیه قوانین و اصول قدیمی و جدید احکام صادره به اقتضای تشکیلات اجتماعی و سیاسی و قضایی در کشورها در بعضی موارد تحت شرایط معین قابل تجدید نظر شناخته شده‌اند.<sup>۲</sup> یکی از شیوه‌های رسیدگی مجدد به آرای محاکم اعاده دادرسی است.

در قانون تعریف دقیق و جامعی از اعاده دادرسی بیان نگردیده است و در واقع قانونگذار ما در هیچ کدام از قوانین در پی ارائه تعریفی جامع از اعاده دادرسی نبوده است و صرفاً اصول و قواعد و شرایطی که برای تمسک به این شیوه لازم است را بیان نموده است. در ادامه به تعریف لغوی و اصطلاحی اعاده دادرسی می‌پردازیم:

<sup>۱</sup> کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۶، اعتبار امر قضاوت شده در دعاوی مدنی، نشر دادگستر، تهران، چاپ پنجم، ص ۵۶

<sup>۲</sup> حیاتی، علی عباس، ۱۳۹۰، اعاده دادرسی در آیین دادرسی مدنی ایران و فرانسه، انتشارات میزان، چاپ دوم، ص ۱۷

**الف: تعریف لغوی**

اعاده در لغت به معنی «برگردانیدن»، دوباره گرفتن، باز گردانیدن (چیزی را سر جای خود)، باز آوردن، برگرداندن و برگشت و «از نو آغاز کردن» است.

«دادرسی» عبارت است از آن مرحله قضاوت است که در طی آن از یک طرف اصحاب دعوا گفتگوهای خود را اظهار و سعی در اثبات حقانیت آن می‌نمایند و از طرف دیگر دادگاه رسیدگی و تحقیق به عمل آورده یعنی در مدافعات و دلایل طرفین نظر کرده جهات و مستندات و مبانی تصمیم خود را جمع آوری و مرتب می‌کند. زمینه قطع و فصل دعوی را فراهم و به اصطلاح پرونده را برای رأی دادن آماده می‌نماید. این مرحله بلافاصله پس از ابلاغ دادخواست شروع شده و تا هنگامی که دادرسان آماده حکم می‌شوند ادامه دارد.<sup>۱</sup> در نتیجه اعاده دادرسی به معنای «از نو دادرسی کردن» است که این معنی در بطن خود حاوی این پیام است که قاضی صادر کننده رأی مورد اعاده دادرسی باید آن را مورد رسیدگی مجدد قرار دهد.

**ب: تعریف اصطلاحی**

اعاده دادرسی از طرف فوق العاده شکایت از آرا می‌باشد و رسیدگی دوباره به دعوا را نزد مرجع صادر کننده حکم مورد درخواست اعاده دادرسی امکان پذیر می‌نماید. در نتیجه از طرق عدولی شکایت شمرده می‌شود.

از طریق اعاده دادرسی، محکوم علیه حکمی که از اعتبار امر مختومه برخوردار شده می‌تواند از مرجع صادر کننده، نقض آن را به دلیل اینکه به اشتباه صادر گردیده، خواه سبب آن اشتباه دادگاه بوده و یا طرف دعوا، تقاضا نماید.

از طریق اعاده دادرسی به اصحاب دعوی اجازه داده شده است تا بتوانند از دادگاه صادر کننده حکم تقاضای رسیدگی مجدد نسبت به رأی صادره و عنداللزوم عدول از آنرا بنمایند، اعاده دادرسی است. اعاده دادرسی تجدید رسیدگی ماهوی به یک دعوی است. صدور حکم قطعی و اذن قانونگذار در از سرگرفتن رسیدگی از عناصر دادرسی است.<sup>۲</sup> بنابراین تجویز اعاده دادرسی در جایی است که حکم قطعی صادر شده و قانونگذار با حصول شرایطی خاص تجدید رسیدگی را جایز دانسته است.

<sup>۱</sup> متین دفتری، احمد، ۱۳۷۷، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، مجد، تهران، ج اول، ص ۳۸۱

<sup>۲</sup> آنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۶۳، ترمینولوژی حقوق، انتشارات بنیاد رستاد، ص ۵۰.

در حقیقت این طریق شکایت موجب می‌شود که دادرسی منتهی به حکم قطعیته یافته و در پی درخواست محکوم علیه دوباره نزد همان مرجع صادر کننده حکم مورد از سر گرفته شود.<sup>۱</sup> اعاده دادرسی راهی است برای بازگشت نزد همان دادگاهی که حکومت کرده به منظور درخواست عدول از رأی که آن دادگاه سابقاً صادر کرده و شاکی مدعی صدور آن از روی اشتباه سهو و خطا باشد.<sup>۲</sup> با توجه به تعریف حکم قطعی که عبارت است از «حکمی که مرحله تجدید نظر را سپری کرده باشد» یا «در مهلت مقرر در خواست تجدید نظر خواهی از آن نشده باشد و مهلت مزبور منقضی شده باشد» یا «حکمی که علی‌الأصول قابل تجدید نظر نباشد»، بنابراین می‌توان اعاده دادرسی را چنین تعریف کرد: «در خواست رسیدگی مجدد به دعوی که نسبت به آن حکم قطعی صادر شده است، به لحاظ یکی از جهات قانونی از همان دادگاه صادر کننده حکم قطعی را اعاده دادرسی گویند».<sup>۳</sup>

انواع اعاده دادرسی را می‌توان به اعاده دادرسی اصلی و طاری تقسیم نمود. اعاده دادرسی اصلی مختص مواردی است که مقتضی اعاده دادرسی به طور مستقل آن را درخواست کند. و اعاده دادرسی طاری در اثناء دادرسی، حکمی به عنوان دلیل ارائه شود و کسی که حکم یاد شده علیه او ابراز شده، نسبت به آن درخواست اعاده دادرسی نماید.

## ۲-۲) تاریخچه اعاده دادرسی

در این بخش به بررسی تاریخچه اعاده دادرسی در ایران و حقوق خارجی پرداخته شده است. تاریخچه اعاده دادرسی در ایران را می‌توان به دسته بندی های؛ حقوق ایران باستان، فقه اسلامی و دوران معاصر، و دسته بندی نمود.

**ایران باستان:** دوره ساسانی اوج شکوفایی حقوق و دادگری و آیین دادرسی ایران باستان به شمار می‌آید. در عین حالی که کلیه قوانین صبغه مذهبی داشتند که ناشی از حکومت دین زرتشت در ایران دوره ساسانی بود، دو گونه دادگاه در این دوره از ایران باستان برپا بود که رسیدگی به دعوی را بر عهده داشتند که دادگاه‌های شخصی و دادگاهی روحانی نام داشتند.

<sup>۱</sup> شمس، عبدالله، ۱۳۸۷، آیین دادرسی مدنی، دوره پیشرفته، جلد دوم، انتشارات دراک، تهران، چاپ بیستم، ص ۴۲۶

<sup>۲</sup> متین دفتری، احمد، همان، جلد دوم، ص ۱۶۱

<sup>۳</sup> بهرامی، بهرام، ۱۳۹۴، با سیستم‌های اعاده دادرسی، انتشارات نگاه بینه، تهران، چاپ اول، ص ۱۷

منظور از دادگاه‌های شخصی یا عرفی دادگاه‌هایی بود که در برابر دادگاه روحانی یا شرع قرار داشت و کار رسیدگی به دعاوی غیر مذهبی را عهده دار بود.<sup>۱</sup>

در تاریخ طبری آمده است که خسرو پرویز نزدیک قصر خود محلی بنا نموده و آن را مختص رسیدگی به احکام دادرسان قرار داده بود و ماهی یک روز در آن محل حضور می‌یافت و اجرای عدالت می‌کرد.<sup>۲</sup>

**فقه اسلامی:** پیشینه رسیدگی پژوهشی با گسیختن حکم یک قاضی در دادگاهی دیگر و به دست قاضی دوم به حقوق رم برمی‌گردد و دیگر مکاتب حقوقی جهان این نهاد را از آیین دادرسی رُم وام گرفته‌اند.<sup>۳</sup> قاعده «قضیه مختوم» و «اعتبار قضیه مختومه» که در حقوق امروز وجود دارد، در حقوق اسلامی سابقه چندانی ندارد، اما در حقوق اسلام این تصور و اندیشه وجود داشته است. پیشینه پژوهش خواهی از احکام به دوران پیامبر اسلام (ص) بر می‌گردد و در اصطلاح حقوق اسلامی به قاضی رسیدگی کننده به دعوی پژوهش خواهی «صاحب‌الرد» می‌گفتند.<sup>۴</sup> اصطلاحاتی که در حقوق اسلامی برای استواری و یا نقض یک حکم به رفته است و عبارت است از: «نَفَادِ الْحُكْمِ» یا «نَفَادِ الْقَضَاءِ»، «عَدَمُ النِّفَازِ الْحُكْمِ يُحَكِّمُ بِنَفَاذِهِ»، که در اصطلاح «یُمِضِيهِ» یا «یُجِيزُهُ» نیز به جای آن می‌آید. در برابر «یُحَكِّمُ بِنَفَاذِهِ» که استواری و تایید حکم قاضی نخست از سوی قاضی دوم را می‌رساند، «بِنَقْضِهِ» به کار می‌برند که گسیختن و نقض حکم صادره از سوی قاضی یا دادگاه دوم است. مصادیقی از این موضوع در تاریخ اسلام وجود دارد<sup>۵</sup> و در اسلام تجدید نظر از احکام قاضی به چشم می‌خورد. هر چند شکل سازمان یافته تجدید نظر از احکام و اعتراض به احکام در حقوق موضوعه امروز به شیوه‌های مختلفی بروز نموده است. رسیدگی پژوهشی با روح آیین دادرسی اسلامی که بر پایه دقت و عدالت و گریز از نادرستی و لغزش قرار گرفته سازگار است و هر گونه محدودیتی در این زمینه دوری از فهم

<sup>۱</sup> شریفیان، فریبا؛ فکری پور، کتابیون، ۱۳۹۵، نظام دادرسی و کیفرشناختی ساسانیان، فصلنامه کارآگاه، سال ۹، شماره ۳۶، ص ۷۸.

<sup>۲</sup> مسیحی، مهرزاد، ۱۳۹۲، اعاده دادرسی در امور مدنی، انتشارات خرسندی، تهران، چاپ سوم ص ۳۲ و ۳۳

<sup>۳</sup> ساکت، محمدحسین، ۱۳۸۲، دادرسی در حقوق اسلامی، میزان، تهران، ص ۵۴

<sup>۴</sup> همان

<sup>۵</sup> مسیحی، مهرزاد، همان، صص ۳۵ و ۳۶.

درست احکام اسلامی است. هیچ دلیلی بر روا نبودن رسیدگی پژوهشی در اسلام وجود ندارد زیرا با رسیدگی پژوهشی جلوی بسیاری از نادرستی‌ها و لغزش‌های قضایی گرفته خواهد شد.<sup>۱</sup>

**دوره معاصر ایران:** اعاده‌ی دادرسی در آیین دادرسی مدنی جمهوری اسلامی ایران که همواره طی سه دوره قانونگذاری (۱۳۲۹ هـ. ق. و ۱۳۱۸ و ۱۳۷۹ هـ. ش.) یکی از طرق فوق العاده شکایت از رأی بوده است از ویژگی منحصر به فردی برخوردار است. در حقیقت این طریق شکایت موجب می‌شود که دادرسی منتهی به حکم قطعیت یافته به درخواست محکوم علیه‌ی که در دادرسی دخالت داشته دوباره در ماهیت نزد همان مرجع صادر کننده‌ی حکم از سر گرفته شود.<sup>۲</sup>

طریقه شکایتی که اکنون اعاده دادرسی نامیده میشود، در قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۳۲۹ هجری قمری تحت عنوان اعاده محاکمه (تجدید نظر) پیش بینی شده بود. در ایران قبل از مشروطیت، دستگاهی به نام «دیوان خانه عدلیه» در تهران وجود داشته که تابع مقررات ثابت و هدفمند نبوده و قطع و فصل دعاوی مردم در ایالت و ولایات به وسیله حکام صورت می‌گرفته است. از سال ۱۳۲۹ هجری قمری محاکمه در ایران تابع قوانین و اصول محاکمات شده که از آن زمان تاکنون پی در پی تغییراتی در آیین دادرسی روی داده و بیشتر اصلاحات مربوط بر تسریع محاکم و ابتکار عمل بوده که در دست اصحاب دعوا باشد یا محاکم. در سال ۱۳۷۳ با تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ساختار قضایی پیش بینی شده در قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸ به هم ریخت و محاکم از صلاحیت عام برخوردار گشتند. پس از تصویب قانون فوق که خصیصه عمده آن تعمیم صلاحیت دادگاه‌ها می‌باشد تصویب قانون آیین دادرسی مدنی مقتضی با آن ضروری به نظر می‌رسید این نیاز با تصویب قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۸ به ظاهر مرتفع گردید.<sup>۳</sup>

با وجود این قانون آیین دادرسی مدنی تا به حال چندین بار مورد اصلاح قرار گرفته است،

<sup>۱</sup> مواد ۴۲۶ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی

<sup>۲</sup> شمس، ۱۳۸۷، همان، ص ۲۱۰

<sup>۳</sup> مسیحی، مهرزاد، همان، صص ۳۹ و ۴۳